

شریعت قرآنی و سنت‌های دینی باستان متأخر

مروری بر «شریعت پس از اسرائیل: از بائبل تا قرآن»

اثر هولگر زلنتین

ایمان تاجی

هولگر زلنتین (ز. ۱۹۷۶) استاد مطالعات ادیان در دانشگاه توبینگن است. او پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه آمستردام، دکتری‌اش را در ادیان دوران باستان متأخر در ۲۰۰۷ از دانشگاه پرینستون گرفت. حوزه تخصصی او مطالعات تلمود و قرآن، و بررسی تطور شریعت و قوانین فقهی در دوران باستان متأخر است. زلنتین در کارهایش نقد ادبی را با روش‌های تاریخی و تاریخ قانون ترکیب می‌کند تا شباهت‌ها و تفاوت‌ها در سنت‌های فرهنگی یهودی، مسیحی و اسلامی اولیه را بررسی کند. از او پیش‌تر کتاب «فرهنگ شرعی قرآن: دیدسکالیا نقطه‌ای برای آغاز» (۲۰۱۳) منتشر شده که توجهات زیادی را به خود جلب کرده است. کتاب «شریعت پس از اسرائیل: از بائبل تا قرآن» (۲۰۲۲) آخرین کتاب اوست درباره پیوستگی شگفت‌انگیز شریعت و احکام مرتبط با جنتیل‌ها (غیراسرائیلیان) از بائبل عبری تا قرآن و از طریق یهودیت و مسیحیت دوران باستان متأخر. این کتاب دو هدف اصلی دارد: نخست آنکه نشان دهد «قوانین مرتبط با غیراسرائیلیان» در دوران باستان متأخر به‌ویژه در میان سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام حضوری زنده داشته است؛ و دوم اینکه پیوستگی این قوانین شرعی را با بررسی «شباهت‌ها» و «تفاوت‌ها»ی آن‌ها در بائبل، متون مسیحی و ربانی عهد باستان متأخر و همچنین قرآن نشان دهد.



زلنتین مقدمه کتاب را با این توضیح شروع می‌کند که اکثر پیروان گذشته و حال سه سنت اصلی ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) بر این موضوع توافق دارند که خدا ابراهیم را برگزید و قوانین خاصی را به بنی اسرائیل، فرزندان ابراهیم از نسل اسحاق، داد. هرچند، درباره اعتبار این قوانین پس از آمدن عیسی و محمد اختلاف نظرهایی در این ادیان وجود دارد. اما موضوع این کتاب، به جای توجه به قوانین مربوط به بنی اسرائیل، تمرکز بر قوانینی است که خداوند در هر سه سنت به عموم مردم، یا همان جنتیل‌ها داده است. او در باب معنای کلمه «جنتیل» می‌گوید که این واژه در طول زمان معنای مختلفی به خود گرفته است اما در این پژوهش همان معنای اصلی آن یعنی «غیراسرائیلیان» مدنظر است، با این توضیح که اسرائیلیان یا بنی اسرائیل همان اعقاب دوازده فرزند یعقوب پسر اسحاق‌اند.

زلنتین معتقد است که ادیان ابراهیمی دوران باستان متأخر همگی سیاهه مشخص و مشترکی از قوانین شرعی را برای کسانی که به‌زعم خود غیراسرائیلی می‌پنداشته‌اند، وضع کرده‌اند. هدف وضع چنین قوانینی، چه در بایبل چه یهودیت ربانی، مسیحیت باستان متأخر و همچنین قرآن، حفاظت و حمایت غیراسرائیلیان از «ناپاکی‌های حرام» بوده است: یعنی آن دسته از ناپاکی‌هایی که در اثر انجام گناهان کبیره‌ای نظیر قتل، مصرف خون حیوانات قربانی و تجاوز جنسی حاصل می‌شود. زلنتین به گروه دیگری از قوانین شرعی نیز اشاره می‌کند که مرتبط با «ناپاکی‌های دوره‌ای/منظم» است. این دسته شامل ناپاکی‌هایی است که در اثر فعالیت‌های طبیعی بدن، مثل آمیزش جنسی و قاعدگی، حاصل می‌شوند و قابلیت پاک‌شدن دارند. اعمال احکام مربوط به ناپاکی‌های دوره‌ای بر غیراسرائیلیان البته موضوعی بوده که میان گروه‌های مختلف مذهبی در باب آن اختلاف نظر وجود داشته است.

کتاب حاوی چهار فصل است که در هر فصل برخی قوانین فقهی مرتبط با طهارت یا ناپاکی را در متون یهودی، مسیحی و قرآن بررسی می‌کند: فصل اول با عنوان «خون و شیاطین» برمبنای سفر پیدایش باب ۹، سفر لاویان باب ۱۷، سوره انعام آیات ۱۴۵-۱۴۶، و سوره مائده آیه ۳ به موضوع خون، قربانی‌کردن و ناپاکی می‌پردازد. در باب نهم سفر پیدایش، قوانین یا فرمان‌های داده‌شده به نوح و فرزندانش آمده که براساس آن‌ها خداوند دو قانون مرتبط با «خون» را بر نوح و اعقاب او وضع کرد: «خون انسان را مرزید و خون حیوانات را مخورید.» در سفر لاویان قوانین دیگری برای ساکنان/مجاوران سرزمین مقدس وضع



می‌شود. مجاوران سرزمین مقدس غیریهودیان بودند که در اورشلیم زندگی می‌کردند. به سبب زندگی در سرزمین مقدس و هم‌جواری با یهودیان، بخشی از قوانینی که یهودیان باید رعایت می‌کردند بر آن‌ها نیز اعمال می‌شود تا سرزمین مقدس از گزند هرگونه ناپاکی در امان باشد. از آنجاکه این مجاوران نیز جزو ذریهٔ نوح محسوب می‌شوند، دو قانون گفته‌شده در سفر پیدایش بر آن‌ها نیز اعمال می‌شود. اما در سفر لایوان، علاوه بر آن، قوانین شرعی دیگری نیز به‌طور خاص برای آنان وضع می‌شود. از جملهٔ این قوانین ممنوعیت استفاده از حیواناتی است که ذبح شرعی نشده‌اند و خون آن‌ها به‌طور کامل خارج نشده است و همچنین مجموعه‌ای از قوانین مرتبط با اعمال جنسی، استفاده از گوشت مردار و مسّ میت.

زلنتین مدعی است که قوانین وضع‌شده در سفر پیدایش برای نوح و اعقابش و قوانین سفر لایوان دربارهٔ مجاوران خاستگاه تمامی قوانین شرعی بعدی برای غیریهودیان است. برای اثبات این ادعا، او ابتدا سراغ قوانین مرتبط با خوردنی‌های حرام در کتاب «اعمال رسولان» (که بخشی از عهد جدید پس از چهار انجیل رسمی است) می‌رود و نشان می‌دهد که در «اعمال رسولان» قوانین مربوط به مصرف گوشت قربانی برای بت‌ها، خون و حیواناتی که ذبح شرعی نشده‌اند، بر پایهٔ قوانین مرتبط با مجاوران در سفر لایوان بنا شده است. البته این قوانین همگی مربوط به ناپاکی‌های حرام‌اند و آنجا به ناپاکی‌های دوره‌ای به‌طور صریح پرداخته نشده است. سپس زلنتین به سراغ متون ربانی می‌رود و آنجا هم به این نتیجه می‌رسد که مجموعه قوانین موسوم به «فرمان‌های نوح» از سفر لایوان نشئت گرفته است. بررسی‌های زلنتین نشان می‌دهد که هم متون ربانی و هم مسیحی شباهت‌های بسیاری از جهت فهرست قوانین شرعی با یکدیگر دارند، هرچند که تفاوت‌هایی را نیز در این میان - به دلیل رویکرد متفاوت این دو گروه در تفسیر متن - می‌توان یافت. از جمله اینکه در تفسیر ربی‌ها مصرف گوشت مردار برای غیریهودیان آزاد است و آن‌ها اصلاً مخاطب قوانین مربوط به ناپاکی‌های دوره‌ای نیستند. اما اعمال رسولان به‌روشنی گوشت مردار را برای همه حرام اعلام کرده و جا را برای اعمال قوانین ناپاکی‌های دوره‌ای برای غیریهودیان باز گذاشته است.

سپس در این فصل، موضوع تحریم گوشت قربانی‌شده برای بت‌ها، خون و مردار در متون مسیحی دوران باستان متأخر تا قرآن پی‌گرفته می‌شود. بر این اساس، زلنتین به این نتیجه می‌رسد که غالب مسیحیان آن دوران قوانین اعمال‌شده بر غیریهودیان - براساس کتاب



اعمال رسولان - را برای خود لازم‌الاجرا می‌دانسته‌اند. زلنتین به‌طورکلی سه رویکرد را نسبت به قوانین شرعی موجود در اعمال رسولان در میان مسیحیان دوران باستان متأخر شناسایی می‌کند: تحقیر، قدردانی، و گسترش. رویکرد نخست تنها در میان تعداد بسیار اندکی از آباء کلیسا دیده شده، اما اکثریت آباء کلیساهای لاتینی، یونانی و سریانی و همچنین تمامی شوراها و کلیسای قوانین موجود در اعمال رسولان را تأیید کرده و بر اجرای آن در میان پیروان‌شان تأکید کرده‌اند. در این میان برخی نیز بوده‌اند که دامنه این قوانین شرعی را در پیروان خود گسترش داده و احکام آن را تا حد «قوانین بایبل برای خود یهودیان» جلو برده‌اند.

این فصل با بحث در باب محرّمات غذایی در قرآن پایان می‌باید. زلنتین زمینه چهار تحریم قرآنی یعنی خون، مردار، گوشت قربانی‌شده برای بت‌ها و خوک را بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که قرآن از لحاظ فقهی قوانین موجود در عربستان درباره خوردنی‌ها را نپذیرفته و به جای آن خود را به گروه گسترش‌دهندگان مسیحی نزدیک کرده است. درحالی‌که سه مورد نخست تحریم‌های قرآن کاملاً با رویکرد مسیحیان و همچنین یهودیت ربانی شباهت دارد، مورد آخر یعنی تحریم گوشت خوک از مواردی است که قرآن را از این دو گروه جدا می‌کند. زلنتین معتقد است اگرچه پیوستگی عمیقی میان قرآن و متون قبلی وجود دارد اما قرآن با ایجاد تفاوت‌هایی در قوانین شرعی در پی ساختن هویت جدیدی برای خود و پیروانش بوده است.

فصل دوم کتاب به قوانین ناپاکی‌های حرام و دوره‌ای مربوط به اندام جنسی می‌پردازد. این فصل، «رابطه جنسی به‌مثابه جرم»، از قوانین سفر لاویان باب ۱۸ آیات ۱۹-۲۶ تا مفاهیم قرآنی فاحشه/فحشاء و زنا را دربرمی‌گیرد. در اینجا نیز همانند قوانین مرتبط با خوراکی‌ها در فصل پیشین، می‌توان پیوستگی قوانین شرعی را در محیط باستان متأخر پی‌گیری کرد. نقطه شروع کار در اینجا نیز قوانین رفتار جنسی برای مجاوران یا غیریهودیان است که در باب هجدهم سفر لاویان به آن اشاره شده است. این قوانین را تقریباً در همه اشکال مسیحیت و یهودیت ربانی و همچنین قرآن می‌توان یافت. در این فصل ابتدا قوانین مربوط به ناپاکی‌های حرام جنسی در بایبل برشمرده می‌شود: آمیزش در زمان قاعدگی، زنا، ازدواج با کفار، لواط و رابطه با حیوانات. به‌علاوه، در سفر لاویان احکامی وجود دارد که در دسته



احکام مربوط به ناپاکی‌های دوره‌ای قرار می‌گیرند مانند غسل پس از آمیزش جنسی و احکام مربوط به قاعدگی، که البته فقط برای بنی‌اسرائیل وضع شده و برای غیریهودیان کاربرد نداشته است. ربی‌ها، نظیر برخی مسیحیان، اعمال قوانین ناپاکی‌های دوره‌ای بر غیریهودیان را نپذیرفته‌اند. اما مسیحیانی که در دسته گسترش‌دهندگان قرار می‌گیرند، اهمیت زیادی برای احکام مربوط به ناپاکی‌های دوره‌ای جنسی برای غیریهودیان قائل شده‌اند و عملاً پای‌بندی به آن‌ها را برای مسیحیان به رسمیت شناخته‌اند. از جمله این احکام می‌توان به ناپاکی موقتی زنان در اثر قاعدگی یا زایمان، ناپاکی پس از رابطه جنسی مشروع یا احتلام شبانه مردان اشاره کرد. در اینجا نیز همانند احکام خوراکی‌ها، قرآن به این دسته از مسیحیان گسترش‌دهنده نزدیک‌تر است، هرچندکه تلاش کرده استقلال خود را نیز حفظ کند. مثلاً در متون مسیحی تأکید زیادی بر روی هم‌جنس‌گرایی مردانه صورت گرفته است، در حالی‌که در قرآن به هر دو نوع هم‌جنس‌گرایی مردانه و زنانه توجه شده است. به علاوه باید توجه کرد که هرچند قرآن پیوستگی عمیقی با زمینه مذهبی ادیان ابراهیمی دارد، اما خود را از محیط عربی کاملاً منقطع نکرده است. در برخی از احکام (همانند احکام حج که موضوع این کتاب نیست) و همچنین در نوع روایت و انتخاب واژگان، پیوند قرآن با محیط عربی کاملاً ملموس است.

زلنتین در این فصل با پی‌گیری واژه زنا در قرآن و پیش‌زمینه‌های آن در متون مسیحی به این نتیجه می‌رسد که مقصود از این کلمه در قرآن هرگونه رابطه جنسی زن و مرد خارج از عقد ازدواج است. اما واژه‌های فاحشه/فحشاء در قاموس قرآن معنای گسترده‌تری دارند و با عبارت «نمایان‌دن برهنگی» در بایبل ارتباط دارد که منظور از آن هرگونه عمل نامتعارف جنسی است. نمایان‌دن برهنگی ترکیبی استعاری است که براساس باب هجدهم لاویان، زنا با محارم، زنا با مُحصنه، لواط و آمیزش در حین قاعدگی را شامل می‌شود، اما معنای آن بعدتر در میان مسیحیان گسترش یافت و شامل هرگونه عمل نامتعارف جنسی شد.

فصل سوم با نام «بوطیقای زنا با محارم» با استناد به سفر لاویان باب ۱۸ آیات ۶-۸ تا قرآن سوره نساء آیات ۲۲-۲۳ به چگونگی روایت و صورت ادبی احکام مربوط به زنا با محارم در بایبل، باستان متأخر و قرآن می‌پردازد. زلنتین با تحلیل متن آیات ۲۲ و ۲۳ سوره نساء در باب ازدواج‌های نامشروع به این نتیجه می‌رسد که برخلاف موردهای پیشین



که تأثیرپذیری قرآن از عهد عتیق بیشتر به واسطهٔ متون مسیحی برقرار می‌شد، در اینجا ارتباط مستقیمی میان متن قرآن و عهد عتیق وجود دارد. در سفر لاویان قوانین مربوط به ازدواج‌های حرام بر هر دو گروه بنی‌اسرائیل و مجاوران اعمال شده است. قرآن حتی در ترتیب ذکر افرادی که ازدواج با آنان حرام است شباهت زیادی با این بخش از سفر لاویان دارد. البته همانند دیگر قوانین شرعی ذکرشده در فصول قبل، قرآن همچنان استقلال خود را حفظ کرده و فهرست آن با عهد عتیق تفاوت‌هایی نیز دارد. مثلاً ازدواج با زن برادر یا زنِ عمو در قرآن تحریم نشده است، درحالی‌که ازدواج با برادرزاده یا خواهرزاده، مادر یا خواهر رضاعی به فهرست ازدواج‌های ممنوع اضافه شده است.

زلنتین در این فصل به این نتیجه می‌رسد که قوانین مربوط به ازدواج در بابیل بیشتر مربوط به تحریم‌های ازدواج در اقوام نسبی است. در قرآن اما ازدواج با نزدیکان در خانواده‌های نسبی و سببی در کنار هم آمده است. نظیر این رویکرد قرآن را می‌توان در برخی متون مسیحی در دوران باستان متأخر یافت که در آن‌ها برخی ازدواج‌ها در نزدیکان سببی نیز وارد فهرست تحریم شده‌اند. زلنتین معتقد است قرآن بدین طریق به سمت نوعی تساوی جنسیتی حرکت کرده و فهرست ازدواج‌های ممنوع را به هر دو طرف مرد و زن تعمیم داده است، درحالی‌که در بابیل این تحریم‌ها به اقوام نسبی طرف مرد محدود می‌شود. زلنتین شواهد دیگری نیز در این فصل برای نشان دادن تمایل قرآن برای حرکت به سمت تساوی جنسیتی نشان می‌دهد.

فصل چهارم «پاکی و مجازات در قرآن» نام دارد. در این فصل، زلنتین ابتدا به بررسی واژگان کلیدی قرآن در این موضوع می‌پردازد. ریشه‌های «طهر» و «زکی/و» برای نشان دادن پاکی در قرآن استفاده شده‌اند. در اغلب موارد این دو برای ارجاع به نبود یا رفع ناپاکی‌های حرام به کار رفته‌اند. اما در برخی موارد معدودی که از ناپاکی‌های دوره‌ای سخن رفته، قرآن از مادهٔ «طهر» استفاده می‌کند. در نقطهٔ مقابل، مادهٔ «رجس» برای نشان دادن افرادی که دچار ناپاکی دائم‌اند استفاده شده است. زلنتین معتقد است در لسان قرآن هرگونه تجاوز از قوانین مرتبط با ناپاکی‌های حرام منجر به «رجس» می‌شود. همچنین در قرآن رجس با شیطان پیوند وثیقی دارد. درواقع شیطان است که خواهان رجس در انسان‌هاست و موجب ناپاکی‌های حرام می‌شود. این همراهی شیطان با گناه و ناپاکی‌های حرام را در



عهد عتیق و متون مسیحی دوران باستان متأخر نیز می‌توان یافت. مادهٔ دیگری که زلنتین به آن می‌پردازد «جن‌ب» است که در قرآن برای ارجاع به ناپاکی‌های دوره‌ای از آن استفاده شده است، ناپاکی‌هایی که حاصل گناه نیستند بلکه در اثر فعالیت‌های طبیعی انسانی حاصل می‌شوند.

با در نظر گرفتن نقش محوری ناپاکی‌های حرام در قرآن مفهوم عبارت «فساد فی الأرض» در این فصل بررسی می‌شود. زلنتین ارتباط تنگاتنگی میان این مفهوم قرآنی با مفهوم «آلوده‌کردن سرزمین مقدس» در عهد عتیق، به‌ویژه تفسیرهای آن در یهودیت ربانی، می‌یابد. در آیات ۳۳ و ۳۴ سفر اعداد می‌خوانیم که خون زمین را آلوده می‌کند و خداوند از ساکنان سرزمین مقدس می‌خواهد که زمین را به‌هیچ‌وجه آلوده نکنند. در متون ربانی این مفهوم گسترش یافته و هرگونه بی‌عدالتی از جمله بی‌عدالتی‌های مالی نیز جزو گناهانی شمرده شده‌اند که موجب آلودگی زمین می‌شود. در قرآن نیز در سورهٔ شعرا پیمانانه را درست نکشیدن و کم‌فروشی و کاستن از اموال در فهرست گناهانی آمده‌اند که موجب فساد فی‌الأرض می‌شوند. دیگر خاستگاه‌های فساد فی‌الأرض در قرآن نظیر شرک و راهزنی نیز در متون ربانی موجب آلودگی زمین شمرده شده‌اند.

در نتیجه‌گیری انتهای کتاب، زلنتین بار دیگر به موضوع «جنتیل‌ها» بازمی‌گردد و می‌گوید که قرآن نیز همانند متون مسیحی اولیه تمایز آشکاری میان بنی‌اسرائیل و دیگر قوم‌ها می‌دیده است. البته باید توجه کرد که در قرآن مسیحیان نیز جزو بنی‌اسرائیل محسوب می‌شوند. (البته قراردادن مسیحیان در زمرهٔ بنی‌اسرائیل در برخی فرقه‌های سریانی دوران باستان متأخر نیز سابقه دارد.) قرآن خود را جزو غیراسرائیلیان می‌شمارد و هویت غیراسرائیلی خود را با اسماعیل، پسر ابراهیم، گره می‌زند. از این منظر، احکام اعمال‌شده برای غیراسرائیلیان تا زمان قرآن در میان قوم‌ها و فرقه‌های مذهبی ساری و جاری بوده‌اند. در نتیجه، زلنتین معتقد است با قراردادن قرآن در بستر دنیای باستان متأخر و پی‌گیری دیگر سنت‌های آن دوران، نظیر یهودیت ربانی و مسیحیت، می‌توان پیوستگی فرهنگ شرعی آن دوران را به خوبی مشاهده کرد.

